



## مبارزه کارگران فنی برق بر ضد قراردادهای موقت

در حالی که اعتصاب‌های کارگری در کشورمان دامنه‌دار می‌شوند، رژیم ولایت فقیه از حرکت اعتراضی رو به رشد کارگران پست‌های فشار قوی برق در نگرانی به سر می‌برد. در سال‌های اخیر اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق برای دستیابی به مهم‌ترین خواست‌های‌شان، به‌خصوص تبدیل وضعیت شغلی از "قرارداد کار معین" به "قرارداد دائم" و دریافت دستمزد و مزایا بر اساس ضوابط "طرح طبقه‌بندی مشاغل"، حداقل ده بار از استان‌های مختلف کشور به تهران آمده‌اند و مقابل وزارت نیرو، سازمان امور استخدامی، نهاد ریاست جمهوری، مجلس و جز این‌ها، تجمع‌های اعتراضی برگزار کرده‌اند. اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق بعد از پی‌گیری‌های اولیه‌شان از طریق برق مناطق، توانیر، و وزارت نیرو، و به دنبال تجمع اعتراضی ۱۹۹۳ در مقابل مجلس، در سال ۹۴ این کارگران "موفق به دریافت ردیف **ادامه در صفحه ۳**

نامۀ  
کارگری  
ضمیمه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۶، ۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۹



## مبارزه اثرگذار نفتگران: حذف دلالت‌های نیروی کار و تأمین امنیت شغلی

هم‌زمان با ادامه اعتصاب کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به سه ماه دستمزد پرداخت نشده و خواست لغو خصوصی‌سازی این مجتمع و آغاز دور نوین اعتراض‌های کارگران هیکو، روز ۱۱ مردادماه برخاستن موجی تازه از اعتصاب‌ها به‌منظور تأمین امنیت شغلی، افزایش مزد و حذف دلالتان نیروی کار در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی کشور را شاهد بودیم. در بیش از دو دهه اخیر رژیم ولایتی به‌هدف بهره‌کشی وحشیانه از کارگران متخصص و فنی صنعت نفت در جهت نفع کلان‌سرمایه‌داری وطنی و همچنین به‌منظور جذب سرمایه‌های امپریالیستی، اکثر مراکزهای صنایع نفتی و صنعتی را به منطقه‌های آزاد و ویژه اقتصادی تبدیل کرده است. منطقه‌هایی زیر پوشش تدابیر شدید امنیتی و با روابط کاری‌ای به‌سبک برده‌داری نوین در آن‌ها. گرچه کارگران در این منطقه‌های آزاد و ویژه بی‌رحمانه استثمار می‌شوند، با وجود این، به دنبال نشست‌های اردیبهشت‌ماه امسال در تهران و با شرکت تمام بخش‌های "نظام"، به‌خصوص حضور نماینده قوه قضائیه، رژیم ضد کارگر قصدش را برای اجرای "انجماد مزدی" کارگران برملا کرد. رژیم اما از آذرماه ۹۸ قصدش را در اجرای "آزادسازی" کامل مزد در عسلویه عملاً آغاز کرده بود.

در بیش از دو دهه اخیر توزیع رانت بین کارگزاران فاسد رژیم و دلالتان نیروی کار به‌منظور لایه‌بندی نیروی کار متخصص و فنی بر اساس نوع قرارداد و دستمزدهای متفاوت در برابر کار یکسان، اساس کار رژیم در نهادینه کردن تبعیض در این زمینه و برانگیختن نفاق بین کارگران و هم‌زمان بهره‌کشی حداکثری از آنان بوده است. کارگران اعتصابی پیمانکاری دریافت مزدهای معوقه، افزایش دستمزدها، حذف دلالتان نیروی کار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و شرایط کار، بهره‌مندی از خوابگاه، غذا، وسایل نقلیه و جز این‌ها به‌طور همسان با کارگران رسمی را خواستارند. در نمونه‌ای از بی‌اعتنایی رژیم به خواست‌های این زحمتکشان، قرار بود بر اساس ابلاغیه ۱۴ اسفندماه ۹۸ وزیر نفت رژیم، "طرح طبقه‌بندی مشاغل ویژه ۱۰۶ هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت از اول فروردین‌ماه ۱۳۹۹ اجرا شود". با گذشت ۵ ماه از صدور این ابلاغیه خبری از اجرای آن نشده است.

در پی مرگ یکی از کارگران "شرکت پیمانکاری نظم آفرینان ایمان" در ۲۱ خردادماه و امتناع از امضای قرارداد از سوی ۵۵ کارگر دیگر آن شرکت، روز ۲۸ خردادماه کارگران پیمانکاری نفت و گاز در عسلویه و ماهشهر کارزاری را به‌منظور "حذف کامل پیمانکاران از صنعت نفت" آغاز کردند.

مطابق گزارش ۸ مردادماه خبرگزاری ایلنا، کار در دمای نزدیک به ۵۰ درجه و **ادامه در صفحه ۳**

## دور نوین جنبش اعتراضی طبقه کارگر و وظایف ما

اعتصاب‌های گسترده در مناطق نفتی جنوب کشور و برخی پالایشگاه‌های نفت، گاز و مجتمع‌های پتروشیمی، هم‌زمان با ادامه اعتصاب در مجتمع نیشکر هفت‌تپه و مبارزه کارگران هیکو در هفته‌های اخیر اوج‌گیری نارضایتی طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما از اوضاع موجود و سیاست‌های ضدملی حکومت جمهوری اسلامی را به‌نمایش گذاشت. این اعتصاب‌ها گرچه در ادامه کارزار مخالفت نفتگران با حضور دلالت‌های نیروی کار در روابط کار سازمان‌دهی شد، اما صرفاً به نقش سوداگرانه شرکت‌های پیمانکاری نیروی کار مربوط نبوده است. جنبش اعتصابی نفتگران- به‌ویژه کارگران قرارداد موقت و پروژه‌ای- تداوم مبارزه هشیارانه کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه برنامه خصوصی‌سازی یا به‌عبارت دقیق‌تر مبارزه با برنامه تعدیل ساختاری است، یعنی مبارزه با برنامه‌ای که بی‌ستون راهبرد اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. علاوه بر نفتگران، کارگران نیروگاه برق سبلان، شرکت نصب نیرو در اردبیل، کنتورسازی قزوین، و اعتراض‌های مداوم پرستاران، یکی از **ادامه در صفحه ۲**

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم،  
بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاها مستقل  
کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

## ادامه دور نوین جنبش اعتراضی ...

و اجتماعی راستین هوادار منافع طبقه کارگر و به‌طور ویژه کارگران آگاه و پیش‌رو، قرار می‌دهد.

تشدید مبارزه و کوشش‌های سازمان یافته، گسترش اعتصاب‌ها، و کوشش‌های سنجیده به‌منظور تحقق خواست‌های کارگران و همچنین برای احیای حقوق سندیکایی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های فعالان راستین سندیکایی است. در این جهت باید بر اصل خدشه‌ناپذیر و بسیار مهم استقلال عمل طبقاتی تأکید دوچندان کرد. حکومت جمهوری اسلامی که به اهمیت رشد مبارزات کارگری و تأثیر آن‌ها را بر معادله‌های سیاسی کشور آگاهی دارد، به‌منظور مهار کردن، به‌انحراف کشاندن، و سرکوب جنبش اعتراضی کارگران برنامه‌هایی تدوین و اجرا می‌کند. مثلاً، هم‌زمان با ادامه اعتصاب کارگران هفت‌تپه، مهرداد بذراپاش، رئیس نوگزیده دیوان محاسبات، اعلام کرد که رسیدگی به پرونده مجتمع نیشکر هفت‌تپه در اولویت او قرار دارد. همچنین با آغاز اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، روزنامه وطن امروز - روزنامه‌ای که ماهیت و وابستگی جناحی آن بر کسی پوشیده نیست - در مقاله‌ای با عنوان: "تأیید گرفتن چه عواملی در خصوصی‌سازی، کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه را به وضعیت فعلی رساند"، در ۱۴ مردادماه، از جمله نوشت: "آنچه مسلم است، ریشه تمام فساد که از سال ۱۳۹۴ تا به‌الآن در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه رخ داده، خصوصی‌سازی بی‌ضابطه‌ای است که از زمان پوری حسینی از سوی سازمان خصوصی‌سازی رخ داده است." چنانکه می‌بینیم پایه استدلال این مقاله طرد خصوصی‌سازی (یعنی خواست کارگران اعتصابی) نیست، بلکه طرد نوع "بی‌ضابطه" زمان پوری حسینی است! چنین دلبری‌ها برای طبقه کارگر را در موضع‌گیری‌های نیروها و جریان‌های ناسالم وابسته به رژیم و امپریالیسم و همچنین در برخوردهای رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به امپریالیسم و ارتجاع منطقه در ارتباط با جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز می‌توان دید و شنید. در تمامی این‌گونه موضع‌گیری‌ها که پوشش با ظاهر "حمایت از کارگر" را نیز بر خود دارد، بحث مخالفت بنیادین طبقه کارگر با برنامه خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری به‌هیچ‌روی مطرح نمی‌شود، بلکه روال بحث محکوم کردن افراد و روش‌ها یا فساد مالی این یا آن مدیر است. این ابراز نگرانی‌ها برای کارگران به‌منظور به‌انحراف کشاندن مبارزات کارگری است و در بازتاب مخالفت‌های به‌حق زحمتکشان آن‌ها را از محتوای اصلی‌شان خالی می‌کنند. رژیم ولایت فقیه و جریان‌های ناسالم وابسته به آن می‌کوشند جنبش اعتراضی را در سطحی معین متوقف کرده و سمت و سوی حرکت بعدی جنبش را تا حد ممکن در جهت منافع خودشان هدایت کنند. نمونه دیگر تلاش‌های حساب‌شده ارکان‌های امنیتی رژیم در برخورد با جنبش اعتراضی کارگران، فرسایشی کردن اعتصاب‌ها و ناکارآمد و غیرمؤثر نشان‌دادن روی آوردن به اعتصاب از سوی توده‌های کارگر برای دستیابی به خواست‌هایشان است. رژیم می‌کوشد اعتصاب‌ها و اعتراض‌های به‌حق کارگران هیکو را مانند هفت‌تپه فرسایشی کرده و سیاست تهدید، وعده‌های دروغین، و تطمیع را در برابر کارگران و فعالان سندیکایی به‌کار گیرد. فراموش نکنیم در مهار و حذف عامل مردم به‌ویژه جنبش کارگری در تغییر و تحول‌های سیاسی کشور رژیم ولایت فقیه و امپریالیسم هم‌سویند و منافعی مشترک دارند.

کوتاه سخن اینکه، وظایفی بسیار پراهمیت در این مقطع زمانی حساس بر دوش ماست که عبارتند از: تشدید مبارزه، کوشش برای گسترش اعتصاب‌ها، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی، تقویت جنبش اعتراضی با بالا بردن سطح سازمان‌دهی و همبستگی، استقلال عمل طبقاتی، و پیوند با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری! تجربه تاریخ پیش روی ماست، کارنامه پرافتخار جنبش کارگری میهن ما ثابت می‌کند با تشدید تضاد و رویارویی طبقاتی، مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی فرا می‌رود. از این‌روی، وجود سازمان‌های سندیکایی مستقل نه‌تنها برای دست یافتن به خواست‌های صنفی - رفاهی، بلکه برای رسیدن به هدف‌های عام سیاسی ضروری و کارآمد هستند. با تشدید مبارزه و بالا بردن سطح سازمان‌دهی باید اعتراض‌های پراکنده را به‌هم پیوند دهیم. سازمان‌دهی، همبستگی، اتحاد عمل فراگیر، تقویت نقش رهبری کارگران آگاه در اعتراض‌های صنفی، استقلال عمل طبقاتی و اتصال به جنبش همگانی ضد استبدادی، نیازهای جنبش کارگری و سندیکایی در این مرحله حساس است. پیش به‌سوی اتحاد عمل و ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی به‌هدف پیوند اعتراض‌ها و اعتصاب‌های پراکنده به یکدیگر در مبارزه با دیکتاتوری ولایت!

گسترده‌ترین حرکت‌های اعتصابی جنبش کارگری در چند سال اخیر را پدید آورده است. حمایت کانون‌های صنفی معلمان و شماری از تشکل‌ها و نشریات دانشجویی و تشکل‌های بازنشستگان از مبارزات کارگران و زحمتکشان نقطه قوت در پیکار سراسری مردم میهن ما در برابر استبداد مذهبی حاکم است.

اعتصاب اخیر کارگران پروژه‌های و قرارداد موقت صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در مناطق جنوب کشور از چند ویژگی برخوردار است که باید به‌دقت به آن‌ها توجه شود. نخست آنکه این اعتصاب‌ها به‌لحاظ گستردگی جغرافیایی، سطح هماهنگی، درجه همبستگی، و کمیت شرکت‌کننده در اعتصاب، در مقایسه با اعتصاب‌های سال‌های اخیر پیش‌روی و رشدی بسیار امیدوارکننده را نشان می‌دهد. دومین نکته اینکه اعتصاب‌های اخیر ثابت می‌کند که جنبش اعتراضی کارگران، صنایع بزرگ و کلیدی را نیز اینک شامل شده است. اعتصاب کارگران پروژه‌های و قرارداد در حال حاضر نخستین حرکت اعتصابی در مجموع هماهنگ و متشکل کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در چند سال اخیر است.

نکته سوم، رشد آگاهی طبقاتی و آمادگی شمار بیشتری از توده‌های کارگر برای شرکت در اعتراض‌هاست. ویژگی چهارم، تعیین شعار و خواست‌هایی است که فصل مشترک شعارها و خواست‌ها در اعتراض‌های چندسال اخیر مراکز کارگری بوده است.

نکته با اهمیت دیگری که به آن باید اشاره کرد آن است که اعتصاب‌های اخیر با وجود آنکه از دامنه گسترده‌تر جغرافیایی برخوردار بودند، اما حمایت نکردن کارگران رسمی و قرارداد دایم در صنایع نفت و گاز از آن‌ها و خودداری‌شان از مشارکت در اعتصاب‌ها ضعیفی چشمگیر بود. کارگران رسمی و بخش‌های فنی پالایشگاه‌ها و صنایع نفت و گاز که قرارداد رسمی دارند، ستون فقرات نفتگران کشورند. آنان هم از سیاست‌های رژیم ولایت فقیه آسیب دیده‌اند. در جلب این بخش مهم کارگران صنعتی به مبارزه صنفی و سیاسی فعال‌تر باید بیش از پیش کوشش کرد. به‌علاوه، توان اعتصاب در صنایع گاز به‌ویژه در منطقه پارس جنوبی بیشتر احساس شد، یعنی منطقه‌ای که شمار بسیاری از کارگران پروژه‌های را در خود جای داده است. تلاش برای تقویت تشکل سندیکایی کارگران در صنایع گاز می‌تواند در گسترش اعتصاب و به‌چالش کشیدن سیاست‌های استبداد حاکم نقشی مؤثر داشته باشد. باوجود همه نقاط ضعف و قوت اعتصاب‌های اخیر که به آن‌ها اشاره شد، باید تأکید کرد که طبقه کارگر میهن ما بر پایه سنت‌های انقلابی‌اش همراه با طرح خواست‌های صنفی‌ای مانند لغو قراردادهای موقت، توقف خصوصی‌سازی، احیای حقوق سندیکایی و مبارزه برای دستیابی به آن‌ها، انگیزه و خواست‌های سیاسی‌اش را هم بیان می‌کند. این تجربه‌ای مهم است که در خلال دهه‌های متوالی طبقه کارگر و جنبش سندیکایی زحمتکشان کشور ما در محیط استبدادی کسب کرده است و با درایت به‌شکل‌هایی گوناگون و متناسب با اوضاع آن را به‌کار می‌گیرد.

از ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف که برای دور نوین جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان برشمریم می‌توان این نتیجه را گرفت که جنبش کارگری و سندیکایی موجود در حال رشد است و غلبه بر پراکندگی‌اش را آغاز کرده است. در سیر مبارزات کنونی نبود سازمان‌های مستقل سندیکایی یعنی سازمان پایه طبقاتی، جنبش اعتراضی کارگران را از توان کافی عاری می‌کند. این مشکل خود علت اصلی ضعف در هدایت و رهبری اعتصاب‌ها نیز هست. رژیم ولایت فقیه و ارکان‌های امنیتی آن دقیقاً از همین خلأ به‌منظور مهار و کنترل مبارزات کارگران استفاده گسترده کرده‌اند. تجربه مبارزه قهرمانانه کارگران نیشکر هفت‌تپه اثبات می‌کند که با تشدید مبارزه می‌توان رژیم را به‌چالش کشید. مانورهای مجلس، قوه قضاییه، دولت، دفتر ولی فقیه، امام‌های جمعه و جماعات همگی و همسو با آن‌ها صداوسیما و ده‌ها شبکه رسانه‌ای وابسته به حکومت در فضای مجازی از تلاش‌های مستمر و سازمان‌یافته رژیم به‌منظور به‌انحراف کشاندن، فرسایشی کردن، و زیر نظارت درآوردن اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری و هدایت آن‌ها به مجرای مورد نظر رژیم حکایت دارند. رشد نارضایتی‌های اجتماعی، ژرفش بحران کشور، کنش و واکنش‌های نیروهای مؤثر در صحنه سیاسی کشور، وظایفی به‌همین اندازه حاد در برابر جنبش کارگری، رویکردهای سندیکایی، و مبارزان سیاسی

## ادامه مبارزه کارگران فنی ...

بودجه" شدند. پس از بارها سفر کردن به تهران و برگزاری تجمع‌های اعتراضی متعدد دیگر، متعاقب تجمع اعتراضی ۲۰۰ نفر از کارگران به‌نام‌اندگی از سوی ۵ هزار اپراتور در سراسر کشور در ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۹۶، در نهایت، خبرگزاری ایلنا، ۲۰ خردادماه ۹۶، امضای "طرح کارگر دائم اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق توسط وزیر نیرو" را به‌عنوان خبر "خوش" اعلام کرد و وزیر نیرو "در فرصتی سه ماهه توانیر را ملزم به اجرای آن مصوبه کرد. اما بهانه‌ها پایان نیافته بودند. با وجود این وعده‌ها تا کنون خواست‌های کارگران برق برآورده نشده است.

کارگزاران رژیم تمام ترفندهای ممکن را در مخالفت با تبدیل وضعیت شغلی اپراتورها و فرسایشی کردن مبارزه آنان به‌کار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، در دوم آبان‌ماه ۹۷ وزیر جدید نیرو "موافقت خود را با تبدیل وضعیت اپراتورهای قرارداد معین پست‌های فشار قوی برق کشور اعلام کرد"، اما در ۱۰ دی‌ماه همان سال بار دیگر "نبودن چارت سازمانی خالی" بهانه عمل نکردن به وعده شد. در سفر اول بهمن‌ماه ۹۷ اپراتورها به تهران، ترفند جدید "آزمون و جذب بر اساس گزینش" به‌کار گرفته شد. اخیراً با انتشار بیانیه‌ای در ۱۶ فروردین‌ماه ۹۹، "شورای هماهنگی اپراتورهای پست‌های فشار قوی" صنعت برق را یکی از "اساسی‌ترین و مهم‌ترین بخش صنعت زیربنایی" خواند و با تأکید بر مرحله حساس کنونی شیوع بیماری کرونا، این شورا افزود: "چگونه با وجود این حجم از مسئولیت، قریب به ۳۵۰۰ نفر از [اپراتورها] در سردرگمی نوع قرارداد هستند؟! رژیم ضدکارگری و دولت‌ها و مجلس‌هایش تا کنون با استفاده از ترفندها، دروغ‌ها، و تمام امکان‌های امنیتی تلاش کرده‌اند از دستیابی اپراتورها به حقوق مسلم‌شان به‌منظور سازمان‌دهی و برپایی تشکل مستقل جلوگیری کنند. تنها راه دستیابی اپراتورها به خواست‌های برحق‌شان، ادامه مبارزه با سیاست‌های اقتصادی رژیم ولایی است. این مبارزه از اهمیت بسیار برخوردار بوده و تأثیرگذار است. در صورت ارتقای سطح همبستگی و پیوند میان اعتراض کارگران صنعت برق با ننگران، و درکنار آن تقویت جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی در جنبش همگانی ضد دیکتاتوری، کارگران می‌توانند گام‌هایی بلند در دستیابی به خواست‌هایشان به پیش بردارند.

## ادامه مبارزه اثر گذار ...

رطوبت نزدیک به ۹۰ درصدی "مرگ کارگر" به‌حال اغما رفتن وی بر اثر خستگی و گرمادگی [را] حتمی می‌کند. کار در دمای بالای ۴۰ درجه باید متوقف شود. روز ۸ مردادماه یکی از کارگران "شرکت پیمانکاری تهران جنوب" در ماهشهر بر اثر گرمای شدید جان خود را از دست داد. فرماندار ماهشهر با تأیید این خبر، از "عدم تأمین امکانات کمک‌های اولیه در محل" کار توسط شرکت پیمانکاری انتقاد کرد، و از شکایت قبلی از این شرکت به "شبکه بهداشت و درمان شهرستان" خبر داد. در شرایطی که اکثر کارگزاران رژیم در تابستان خوزستان صرفاً ۵ ساعت کار در روز را در اتاق‌های کولردار می‌گذرانند، کارگران پیمانکاری صنعت نفت با یک‌سوم دستمزد کارگران رسمی، ۱۲ ساعت کار در روز را در هوای ۵۰ درجه و درمحیطی به‌شدت امنیتی انجام می‌دهند. اعتصاب کارگران پروژه‌ای و قرارداد موقت صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در مناطق جنوب کشور تمرین آمادگی نفتگران میهن ما بود و می‌تواند سراغاز رشته اعتصاب‌های اثرگذار در آینده نزدیک باشد. پایان دادن به بهره‌کشی فقط با سازمان‌دهی کارگران در سندیکاهایی مستقل و مبارزه‌ای پیگیر بر ضد سیاست‌های اقتصادی رژیم ممکن خواهد شد.

## پدیده‌های معوقه: چرا زحمتکشان ما با این معضل فراگیر دست به‌گریبان شده‌اند؟



در چند هفته با افزایش نرخ ارزهای خارجی بار دیگر سطح دستمزد کارگران و زحمتکشان کاهش یافت و امکان دسترسی آنان را به نیازمندی‌های اولیه زندگی دشوارتر از گذشته گردید. سیاست سرکوب‌مزدی و پایین آوردن ارزش نیروی کارگران به‌قصد کسب سود بیشتر و انباشت ارزش اضافه در این رژیم با به‌تعویق افتادن پرداخت دستمزدها شدت بیشتری یافته است. ریشه این پدیده در کجاست؟ چرا زحمتکشان ما با این معضل فراگیر دست به‌گریبان شده‌اند؟

برای یافتن پاسخ صحیح به این پرسش بی‌گمان باید نظرها را به سوی برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه معطوف داشت. با مروری گذرا درمی‌یابیم، آغاز پیدایش پدیده‌های معوقه به میانه سال‌های دهه ۱۳۷۰ باز می‌گردد. یعنی زمانی که برنامه تعدیل ساختاری تدوین و اجرا شد. بنابراین، این معضل پدیده‌ای منحصر به فرد و ویژه نیست، بلکه باید گفت که مزد معوقه پدیده‌ای ناشی از برنامه‌های اقتصادی حکومت و ماهیت دلالی، رانت‌خوار، و غیرمولد نظام استبدادی حاکم است. این معضل به این یا آن واحد تولیدی خاص محدود نبوده و نمی‌تواند باشد. با این نتیجه‌گیری، باید بر ضرورت مقابله متحد و متشکل با پدیده مزد معوقه با فشاری کرد. خواست پرداخت به‌موقع دستمزدها در پیوند با خواست لغو خصوصی‌سازی می‌تواند به اهرمی به‌منظور بالا بردن سطح همبستگی در جنبش کارگری و سندیکایی تبدیل گردد. توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در سراسر کشور لغو خصوصی‌سازی و پایان یافتن معضل دستمزد معوقه خواستار هستند. این خواست سراسری و مشترک باید در عمل مشترک و سراسری تجلی پیدا کند. برای طبقه کارگر ایران جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمانده است که این رژیم نه تنها در راه بهبودی زندگی شایسته زحمتکشان گامی بر نخواهد داشت، بلکه با کاهش دستمزدها قصد دارد به خوش‌خدمتی به سرمایه‌گذاران وطنی و خارجی ادامه دهد. برای طبقه کارگر ایران تنها راه برون رفت از این معضل، تشدید مبارزه و پیوند هرچه محکم‌تر با جنبش همگانی ضد استبدادی است.







واقع باید به سمت نوسازی و به‌روز کردن تکنولوژی حرکت و سرمایه‌گذاری کرد. یعنی در مسیر توسعه ماشین‌الات و آموزش هرچه بیشتر کارگران ماهر اقدام کرد تا بتوان روند تبدیل به دنیای دیجیتال را با موفقیت و همراه با آن تأمین امنیت شغلی و مزد عادلانه برای طبقه کارگر طی کرد. همه ما در مورد خودروهای برقی صحبت می‌کنیم در حالی که هنوز تأمین‌کننده خودروهایی هستیم که تا هم اکنون فقط به موتور احتراق وابسته هستند و کار می‌کنند. ما باید در واقع بیشتر برای پیشرفت و توسعه سرمایه‌گذاری کنیم و خودروی برقی را به خودروهایی که با هیدروژن کار می‌کنند تبدیل کنیم.

**عصر ما:** قصد کارفرما در مجموع زیر فشار گذاشتن است. حداقل ما شنیده‌ایم که پیشنهادهایی هست که اگر کارگران از دستمزدشان صرف‌نظر کنند، کارگاه‌ها را از تورینگن به ماینتال انتقال می‌دهند؟

**کلاوس دیتزل:** در اساس این‌گونه است. در شهر گبرشازن یک گروه تولیدی دارند به نام تورو ۱۲ تولیدکننده انواع ماشین‌های صنعتی، کشاورزی و قطعات آن‌ها. در ماینتال هم همین روند تولیدی در جریان است و نامش را گذاشته‌اند تورو ۹. در اینجا خودروهای سنگین، اتوبوس و خودروهای لوکس شاسی‌بلند تولید می‌شود. در حالی که تورو ۹ برای تولید خودروهای معمولی در نظر گرفته شده است و حالا کارفرما می‌گوید: "خوب، کارگران عزیز کارخانه ماینتال! اگر آرام و سر به‌راه و مطیع و گوش به‌فرمان بمانید و هدف ما برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها را درک کنید، همچنین ساعت کارتان را افزایش دهید و یک کمی هم از حق مرخصی و پاداش شب عید هم صرف‌نظر کنید، آن وقت کارفرما می‌تواند تورو ۱۲ را به‌جای انتقال به جمهوری چک به ماینتال بیاورد." بنابراین می‌خواهند بگویند: ما الگویی را طراحی خواهیم کرد که بتوان با آن در ماینتال نیز تولید تورو ۱۲ را انجام داد. این الگو برای ما ۲۰ شغل به‌ارمغان خواهد آورد. مدیریت همچنین با محاسبه‌ای که کرده است می‌گوید: ما می‌توانیم سالانه چهار میلیون یورو پس‌انداز کنیم. بنابراین گفته و اگر همین حالا هم حساب کنیم، پس از اولین تعدیل‌ها [بخوان: اخراج‌ها] که تعداد کارگران به ۳۰۰ نفر خواهد رسید و این چهار میلیون یورو را به ۳۰۰ تقسیم کنیم، حاصلش می‌شود ۱۳ هزار یورو. این بدان معنی است که هر کارگر باید تقریباً از ۱۳ هزار یورو صرف‌نظر کند. این ساده‌ترین محاسبه است.

**عصر ما:** آیا کارگران این الگو را خواهند پذیرفت؟ وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**کلاوس دیتزل:** طبیعتاً وضعیت مطلوبی نیست. دیروز ما با همکارانمان نشستنی داشتیم ولی به‌دلیل بحران کرونا و در اختیار قرار ندادن فضایی بزرگ‌تر به ما نتوانستیم نشستنی وسیع و همگانی با همه کارگران کارخانه داشته باشیم. ولی با این وجود، ما نمایندگان کارگران از شش صبح تا هشت بعد از ظهر با پخش اطلاعاتی همه کارگران بخش‌های اداری و تولیدی را از وضع موجود آگاه کردیم. کسی از میان کارگران و کارمندان پیدا نشد که به پیشنهاد طرف مقابل یعنی کارفرما اعتماد و اعتقاد داشته باشد. اعتماد کاملاً از بین رفته است. کارگران معتقدند که این فقط یک تاکتیک برای متوقف کردن ما است، هیچ کارگری نمی‌خواهد از حق خودش صرف‌نظر کند. ما اغلب این استدلال را می‌شنویم که عقب‌نشینی کردن و از منافع کارگری چشم‌پوشی کردن حفظ اشتغال را باعث نشده است. به همین دلیل ما این پیشنهاد را نمی‌پذیریم و به‌عنوان آخرین پیام که ما دیروز با تبادل نظر و پس از نشستنی مشترک که با سندیکا داشتیم، می‌گویم که ما به‌این نتیجه رسیدیم که باید بر مواضع مبارزاتی خودمان پا فشاری کنیم.

ترجمه از: "عصر ما"، روزنامه حزب کمونیست آلمان (د.ک.پ)، ۲۷ تیر ماه ۱۳۹۹.

<https://www.unsere-zeit.de/ueble-plaene-fuer-norma-132554>

## تشدید مبارزه یگانه راه مطمئن برای تأمین امنیت شغلی و افزایش دستمزد است!



گروه نورما در آلمان بزرگ‌ترین تولیدکننده قطعات فلزی و پلاستیکی است. در این کارخانه قطعات فلزی و پلاستیکی برای خودروهای صنعتی تولید می‌شود. در رابطه با زیر فشار قرار دادن کارگران این صنایع از طرف مدیریت این گروه صنعتی، نشریه "عصر ما" با کلاوس دیتزل، دبیر دوم اتحادیه صنایع فلزکاران [ای.ک.متال] مصاحبه‌ای کرده است که در زیر می‌خوانید:

**عصر ما:** چه چیزی کارگران و اتحادیه صنایع فلزکاران [ای.ک.متال] را تهدید می‌کند، کارفرما چه برنامه‌هایی را اعلام کرده است؟

**کلاوس دیتزل:** گروه صنعتی نورما ژرمنی، در دو مکان محصولاتش را تولید می‌کند، گبرشازن در تورینگن و ماینتال. کارفرما اعلام کرده است که باید یکی از این دو کارخانه یعنی کارخانه‌ای که در تورینگن واقع شده، تعطیل گردد. در آنجا امنیت شغلی صدوشتت کارگر زن و مرد در معرض تهدید قرار گرفته است. منطقه گبرشازن در تورینگن از نظر ساختار اقتصادی، منطقه‌ای است فقیر و ضعیف، از این‌رو، یافتن شغلی دیگر برای کارگران در این منطقه در صورت بیکار شدن پس از تعطیلی کارخانه، بسیار دشوار خواهد بود. در منطقه ماینتال هم وضعیت مناسبی وجود ندارد. در آنجا هم امنیت شغلی ما در معرض تهدید است. در گام نخست صدوشتت شغل و در گام بعدی به‌احتمال قوی شصت شغل دیگر با تعطیلی این کارخانه‌ها از میان خواهند رفت. اگر این اتفاق بیفتد، فکر می‌کنیم که آن واقعه تلخ سلسله‌وار رخ خواهد داد. در صورتی که یک قسمت از تولید به جمهوری چک [برون‌سپاری] انتقال داده شود، احتمال اینکه بخش‌های دیگر هم تعطیل شوند وجود خواهد داشت. ما اعتقاد داریم که این هجوم در نهایت حمله به امنیت شغلی تمامی کارگران و زحمتکشان بخش ماینتال خواهد بود.

**عصر ما:** پیش زمینه این تهدیدها و نابودی امنیت شغلی چه می‌تواند باشد؟

**کلاوس دیتزل:** دلیل اصلی از نظر ما صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مشخصاً در هزینه پرداخت دستمزدها است، یعنی کاهش سطح دستمزد کارگران و کاهش قدرت خرید آنان زیر نام صرفه‌جویی در هزینه‌ها. هدف کارفرما این است، فقط یک پنجم دستمزدی را که در آلمان می‌پردازد در جمهوری چک به کارگران پرداخت کند. علاوه بر این، ساعت کاری ما در آلمان کم‌تر است. ما بر اساس قانون کار و قرارداد دستجمعی سی‌وینج ساعت در هفته کار می‌کنیم، در جمهوری چک زمان کار چهل ساعت در هفته است. هرچند که ما تقریباً در ماینتال الگوی کاری متنوعی داریم، یعنی باید گاهی اوقات شنبه یا یکشنبه هم سر کار برویم، ولی در مجموع الگوی کاری ثابتی داریم. ...

**عصر ما:** چه گزینه‌ای را نماینده کارگران در برابر خطر از بین رفتن مشاغل و نابودی امنیت شغلی‌شان در نظر دارد؟

**کلاوس دیتزل:** نظر ما نخست این است که کارگران ما از دانش کافی، از مهارت لازم برای کار کردن با ماشین‌ها برخوردار هستند. دیگر آنکه در

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۶  
Nameh Mardom - Workers Supplement No.36

17 August 2020

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

